راهبردهای تربیتی در مکتب امام علی (علیه السلام)

پدید آورنده : شکیبا سادات جوهری ، صفحه 59

تعریف تربیت

واژه تربیت از ریشه «ربو» به معنای زیادت و فزونی و رشد و برآمدن گرفته شده است و در اصطلاح به معنای فراهم کردن زمینه مناسب برای پرورش استعدادهای جسمانی و روحانی و هدایت آنها در جهت مطلوب و جلوگیری از انحراف و ناهنجاری هاست.

ویژگی های تربیت

اسلام در تربیت چهره ممتازی دارد و بر خلاف نظام های متداول که فاقد جهات متعالی هستند دارای زیربنای معنوی و جهان بینی الهی است. از دایره تنگ ماده پرستی فراتر می رود و بر اساس متافیزیک و اعتقاد به ماوراء الطبیعه، زمینه هدایت انسان را فراهم می آورد و به شاخصه های زیر توجه دارد:

الف) تزکیه و اصلاح نفس

اسلام به خودسازی توجه دارد و هر کس را مسئول اعمال خویش می داند. اسلام می خواهد انسان قبل از هدایت دیگران به تزکیه و تهذیب نفس خویش مبادرت ورزد و کوشش کند تا حرف و عملش یکسان شود. حضرت امیر (علیه السلام) می فرماید: «لَعَنَ اللّهُ الآمرینَ بِالمَعروفِ التارِکینَ لَهُ وَ الناهینَ عَن المُنْکَرِ العاملینَ له؛ لعنت خدا بر آنان که به معروف فرمان دهند و خود آن را وا گذارند و از منکر باز دارند و خود آن را به جا آورند».

ب) هدایت و مواظبت از دیگران

انسان نه تنها مسئول اعمال و رفتار خود است، بلکه باید در مقابل لغزش دیگران بی توجه نباشد و آنان را با ارشاد و راهنمایی و امر به معروف و نهی از منکر به راه راست هدایت کند. حضرت علی (علیه السلام) در این باره می فرماید: «و انهوا غیرکم عن المنکر، تناهو عنه فانما امرتم بالنهی بعد التناهی؛ نهی کنید دیگران را از ارتکاب منکر و خودتان هم دست بکشید؛ زیرا شما مأمور شده اید که نهی از منکر کنید، پس از آن که خویشتن دار باشید».

ج) حضور در محضر الهی

مسلمان به گونه ای تربیت می شود که عالم را محضر خدا می شمارد و خداوند را بر اعمال و رفتار خود شاهد و ناظر می داند. حضرت امیر (علیه السلام) که می فرمودند: «اگر پرده ها کنار زده شود، ذره ای به یقین و اعتقادم افزوده نمی شود»، در مورد درک محضر الهی می فرمایند: «خدا رحمت کند انسانی را که همیشه پروردگارش را در نظر دارد و از گناه کناره بگیرد و با خواهش دل بجنگد و آرزوی دنیایی خود را تکذیب کند».

د) اولویت بخشی به حیات اخروی در عین توجه به حیات دنیوی

در اسلام ترک دنیا و گوشه گیری محکوم است. در عین حال، اساس، جهانی پایدارتر از زندگانی فانی دنیوی است. امام متقین در نکوهش دنیاگرایی و رفاه زدگی و غفلت از جهان باقی می فرماید: «یکی در دنیا برای آخرت کار می کند و آنچه را هم که از دنیا بر او مقدر است به دست می آورد و در حقیقت هر دو بهره را جمع می کند و هر دو سرا را به دست می آورد...».

ه) جامعیت و شمول

در منطق تربیتی اسلام، همه ابعاد وجودی انسان محترم و ارزشمند است؛ هم به جسم و جانش و هم به عقل و روانش توجه می شود. اجازه ضرر و زیان به انسان نمی دهد و در عین حال از مسلمان می خواهد که در صیانت و استفاده بهینه و مطلوب از عقل کوشا باشد. عقل را میزان سنجش صحیح از مقیم معرفی می کند و قلب را نیز کانون عواطف عالی انسانی برمی شمارد. حضرت علی (علیه السلام) می فرماید: «کفاک من عقلک، اوضح لک سبل غیِّک؛ از خرد، تو را همین بس، که راه گمراهی ات را از راه رستگاری ات نمایان می سازد».

و) هماهنگی با فطرت انسان

تربیت اسلامی برنامه هایش بر فطرت انسانی استوار است و می کوشد تا از فطرت ها حجاب زدایی کند، آن را شکوفا سازد و در جهت زیبایی، دوستی، آزادگی، رأفت گرایی و عدالت خواهی گام بردارد و میثاق های به فراموشی سپرده شده را یادآور شود. حضرت علی (علیه السلام) می فرماید: آن گاه که بیشتر آفریدگان از فطرت خویش برگشتند و طومار عهد در نوردیدند، حق او را نشناختند و برابر او خدایانی ساختند، شیطان ها آنان را از خداشناسی به گمراهی کشیدند و پیوندشان را با پرستش الهی بریدند، پس (خداوند) هر از چند گاهی پیامبرانی فرستاد و به وسیله آنان به بندگان هشدار داد تا حق میثاق فطرت بگزارند و نعمت فراموش شده را به یاد آورند.

با مشخصه ها و ویژگی های یاد شده، توجه به تربیت، اهمیت دادن به حیاتی ترین مقوله انسانی است. انسان ها به سبب تربیت درست، مسیر تعالی و تکامل را می پیمایند و با تربیت نادرست از مسیر کمال باز می مانند. پیشوایان معصوم (علیهم السلام) مسئله تربیت را در رأس برنامه های خود قرار داده اند و حتی در بحرانی ترین شرایط نیز به این مهم توجه داشته اند. در این خصوص آمده است:

در جنگ جمل عربی از بین لشکریان برخاست و عرض کرد: آیا اعتقاد شما بر این است که خدا یکی است؟ یاران امیر المؤمنین (علیه السلام) از این سؤال در آن شرایط حساس تعجب کردند و گفتند: مگر نمی بینی امام (علیه السلام) در این شرایط با چه مسائلی روبه رو است! حضرت فرمود: بگذارید جواب سؤال خود را بگیرد و درباره خدای خود معرفتی به دست آورد؛ زیرا او همانی را می خواهد که ما آن را در دشمن خود (در جنگ) می خواهیم، (یعنی هدف ما از جنگ تربیت و بیداری مردم است و مبارزه و جنگ اصالت ندارد و هدف نیست) سپس در کمال خونسردی در میدان جنگ مسئله توحید و خداشناسی را برای او تشریح کرد تا وی کاملاً قانع شد.

بنابراین هدف از تربیت، انسان سازی و پرورش ابعاد معنوی و شخصیتی انسان است، هدف تربیت اسلامی آگاه ساختن انسان از پایگاه وجودی خویش و شکوفایی لطافت وجودی و حرکت دادن وی بر اساس فطرت و سرشت اوست و در این رهگذر، روش های تربیتی خاصی را در دستور کار قرار می دهد.

مؤثرترین روش های تربیتی

در حقیقت، تربیت به معنای دقیق آن، انتخاب بهترین روش ها در موقعیت ها و شرایط خاص است و مراد از روش، راه و طریقه ای است که میان اصل و هدف در امتداد است و عمل تربیتی را منظم می کند، روش ها و چگونگی به کارگیری آنها همواره مورد توجه امام پرواپیشگان بوده است. ما به تناسب این مقام مهم ترین آنها را مورد مداقه و بررسی قرار می دهیم:

1. روش الگویی

همانند سازی و درس آموزی در زمینه های گوناگون از دوران کودکی آغاز می شود. نوزاد انسان از پنج ماهگی به تقلید حالات و حرکات اطرافیان می پرازد و خود را در مسیر هماهنگی و همانندی با محیط پیرامون قرار می دهد.

با افزایش سن و تجارب ذهنی، تقلید به شکل آگاهانه ای صورت می پذیرد و در حیطه اراده قرار می گیرد و با دخالت آگاهی و اراده، رفتارها تحت کنترل قرار می گیرند و جهت مند می شوند. برخی از روان شناسان چون ویلیام جیمز و بالروین و جان واتسون تقلید را در همه مراحل زندگی امری غریزی و غیر ارادی می دانند. گابریل تارد، نه فقط تقلید را امری غریزی می داند، بلکه آن را تنها عامل جامعه پذیری و تشکل اجتماعی می خواند؛ یعنی جامعه محصول تقلید جبری است و همه رفتارهای اجتماعی از تقلید منشأ می گیرد.

در مقابل، دورکیم تأثیر جامعه بر فرد را یک جانبه و جبری می داند و معتقد است فرد نمی تواند بر جامعه تأثیر بگذارد و این جامعه است که رفتار فرد را تشکیل می دهد.

بعضی از دانشمندان هم تقلید را به آگاهانه و ناآگاهانه تقسیم کرده اند؛ تقلید ناآگاهانه در دوران کودکی است، اما تقلید آگاهانه در دوران خودشناسی و تسلط بر قوای ادراکی و تحریکی و شناخت منافع است.

در پیروی و همانندسازی گاهی شخص از فرد متابعت می کند و گاهی از گروه. گروه های مرجع از انواع گروه های اجتماعی است که فرد در سنجش خود با دیگران آنها را مورد قیاس قرار می دهد و در قضاوت و اعمال از آنان الهام می گیرد و آنها را مبنای داوری خود قرار می دهد و معمولاً ارزش هایی را می پذیرد که از گروه های مرجع آموخته است.

از دیدگاه سوم، انسان فطرتا عاشق کمال است و این عشق به کمال او را به الگو طلبی و اسوه پذیری سوق می دهد. فرد می کوشد در همه امور، خود را همانند الگوی مطلوب قرار دهد، تأثیر الگو در نقش پذیری انسان امری طبیعی است؛ و بر این اساس امام علی (علیه السلام) می فرمایند:

برایت بس است اگر رسول خدا (صلی الله علیه و آله) را مقتدای خود بگردانی. به پیامبر پاکیزه و پاک خود اقتدا کن که راه و رسمش سرمشقی است برای کسی که بخواهد (از او) پیروی کند و انتسابی است برای کسی که بخواهد (به او) منتسب شود و محبوب ترین بندگان نزد خدا کسی است که رفتار پیامبر (صلی الله علیه و آله) را سرمشق خود قرار دهد و به دنبال او برود.

الگوهای ایده آل در ایجاد تحول و تغییر، در سازندگی و رشد، و در بازسازی و تربیت، نقش اساسی دارند. الگوی مناسب همچون کشتی ای است که سرنشینان خود را در دریای پر تلاطم زندگی به سلامت به مقصد می رساند و الگوی نامناسب همچون کشتی شکسته، سرنشینان خود را به قعر تباهی می برد. حضرت علی (علیه السلام) در توجه دادن به این مهم می فرماید که پذیرای هر کسی به عنوان الگو و اسوه نباشیم: «زلة العالم کانکسار سفینة تغرق معها غیرها؛ لغزش عالم همچون شکسته شدن کشتی است که غرق می شود و گروهی را نیز با خود غرق می کند».

2. روش امر به معروف و نهی از منکر

یکی از سازوکارهای مهم کنترل اجتماعی در اسلام، امر به معروف و نهی از منکر است. امر به معروف و نهی از منکر به صورت حکم شرعی از کارآیی مؤثرتری برخوردار است، زیرا مردم احساس تکلیف شرعی می کنند و با حضور فعال به رویارویی با آسیب های اجتماعی، فردی و قانون شکنی ها برمی خیزند و در پاسداری از هنجارهای دینی تلاش می کنند. این روش در اسلام از اهمیت خاصی برخوردار است. در جامعه شناسی، «معروف» معادل «ارزش» است و ارزش ها، بنیادی ترین عامل در تبیین و شناخت هنجارها هستند. در اسلام فرآیند امر به معروف بدین ترتیب است:

الف) احساس تنفر در قلب و اعراض از فرد خاطی: هر مسلمانی وظیفه دارد در قلب خود نسبت به انحرافات اجتماعی و ترک واجبات الهی احساس تنفر کند و از فرد خاطی اعراض نماید و به هر شکل ممکن نارضایتی خویش را اعلام دارد.

ب) مرحله زبانی همراه با پند و اندرز و کنترل اجتماعی. این مرحله با پند و اندرز و نصیحت و نرمی همراه است.

ج) مرحله شدت عمل؛ در صورتی که توصیه ها کارساز نبود، مرحله شدت عمل آغاز می شود که البته این مهم بر عهده مسئولان حکومت است و در غیر موارد ضروری به افراد عادی واگذار نمی شود.

حضرت علی (علیه السلام) امر به معروف را ضامن سلامت فرد و اجتماع برشمرده و می فرماید: «همانا امر به معروف و نهی از منکر دو خلق هستند که از جمله خوی های پسندیده خداوندند. این دو مرگ را نزدیک و روزی را کم نمی کنند. بر شما باد (مراجعه) به کتاب خدا».

و البته مسلمان نمی تواند بی طرفی اختیار کند؛ زیرا اگر این دو فریضه مهم ترک شود، انسان ها از رحمت الهی دور می مانند. علی (علیه السلام) به این مهم اشاره می کند: ای مؤمنان هر کس ببیند (افرادی) ظلم و ستم می کنند و به منکر دعوت می کنند، اگر آن را در دلش انکار کند، رهایی یافته و بیزاری جسته است و هر کس آن را به زبان انکار کند، اجر و مزد یافته و او افضل از دوستش است که فقط انکار قلبی داشته و هر کس آن را با شمشیر انکار کند تا کلمه خدا بر مقام بالا بماند و کلمه ظالمان پست باشد، او کسی است که به راه رستگاری رسیده و به راه راست قیام نموده و دلش به نور باور و یقین روشن شده است.

3. روش محبت

محبت از دیگر روش های تربیت است که با فطرت و سرشت آدمی سازگار است. در سیره معصومین (علیهم السلام) نیز چشاندن طعم شیرین محبت به انحای مختلف دیده می شود. این بزرگواران با محبت، زمینه رشد و هدایت افراد را فراهم می آورند. محبت ممکن است در تبسم یا آهنگ کلام یا در عمل تجلی یابد، بنابراین، هیچ گاه نباید محبت را از فرزندان دریغ داشت، البته انسان در هر سنی نیازمند محبت است. امام رئوفان به این مهم اشاره می کند: «وارحم من اهلک الصغیر و وقِّر منهم الکبیر؛ با کودکان مهربانی کن و احترام بزرگان را نگه دار».

از این روش جهت برانگیختگی و بازدارندگی و شکوفایی استعدادها، در جهت کمال بهره می گیرند. حضرت امیر (علیه السلام) در بهره گیری از این روش پسندیده در عهدنامه مالک اشتر می فرماید: «هرگز نباید نیکوکار و بدکار در نزد تو یکسان باشند زیرا که این موضوع، رغبت نیکوکار را در نیکی کم کند و بدکار را به بدی وا دارد و هر یک از ایشان را مطابق کارش جزا دهد».

تشویق عاملی برای برانگیختن و وسیله ای برای تقویت انسان است. باید توجه داشت که در تربیت، اصل بر تشویق و ترغیب است نه تنبیه و مجازات. حضرت در تأثیر تشویق بر انسان می فرمایند: آنان را به نیکویی یاد کن و پیوسته تشویقشان نما و کارهای مهمی را که انجام داده اند برشمار، زیرا یاد کردن کارهای نیک آنان، ایشان را بر می انگیزاند و «از کارمانده» را بر خواست خدا ترغیب می کند.

البته روش های دیگری نیز در سازندگی و تربیت انسان به کار گرفته می شود که با توجه به اختصار این مقاله باید در جای خود مورد تحقیق قرار گیرد که روش های عبرت آموزی، موعظه پذیری، روش عقلانی، بیان قصص و داستان سرایی، روش عادت به عفو و چشم پوشی، مراقبت، تذکر، توبه، بازگشت و... از آن جمله اند.

آنچه گذشت، برخی از مهم ترین ویژگی ها و روش های تربیتی از منظر امام علی (علیه السلام) بود که جا دارد متولیان امور تعلیم و تربیت آن را مورد توجه قرار دهند تا نسلی سرزنده، با نشاط، مؤمن و کارآمد به جامعه اسلامی تحویل داده شود. پایان این نوشته را با سخنی ارزنده از مولای متقیان مزین می سازیم که فرمود:

«بدان که دل نوجوان، مانند زمینی آماده، پذیرای هر بذری است، پس بکوشید تا بذر عشق و ایمان را در آن بکارید وگرنه سرزمین وجودش در محاصره نااهلان قرار می گیرد».

پی نوشت ها:

1. معجم مقاییس اللغه.

2. نهج البلاغه، خطبه 129.

3. الکافی، ج 8، ص 172.

4. نهج البلاغه، فیض الاسلام، ص 1217.

5 . همان، حکمت 426.

6 . همان، حکمت 426.

7. همان، خطبه اول.

8 . شیخ صدوق، التوحید، باب سوم، ح 3.

9. Tmitation

10. سید مجتبی هاشمی، تربیت و شخصیت انسانی، ج 1، ص 55.

11. منصور وثوقی، علی اکبر نیک خلق، مبانی جامعه شناسی، ص 209.

12 نهج البلاغه، خطبه 60 .

13. غرر الحکم، ج 1، ص 63 .

14. هدایت الله ستوده، آسیب شناسی اجتماعی، صص 126 تا 128.

15. همان، حکمت 365.

16. همان.

17. بحار الانوار، ج 75، ص 136.

18. نهج البلاغه، نامه 53.

19. همان، نامه 31.

20. همان.